

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
A Critique on André Godard's Historiography Considering
the Fields of his Historiography
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

نقدی بر تاریخ‌نگاری آندره گدار با نگاهی به زمینه‌های تاریخ‌نگاری او

سودابه ادیب‌زاده^{۱*}، محسن عباسی هرفته^۲، احمد امین‌پور^۳

۱. کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۲. استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، ایران.
۳. دانشیار دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت : ۹۶/۰۸/۲۱ تاریخ اصلاح : ۹۶/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش : ۹۶/۱۲/۲۲ تاریخ انتشار : ۹۷/۰۴/۰۱

چکیده

تاریخ‌نگاری معماری از حوزه‌های با اهمیت در معماری است و مسئله اصلی آن است که در ایران چنان که باید مورد توجه تاریخ‌نگاران داخلی قرار نگرفته است. از سویی دیگر آثار تاریخ‌نگاری موجود که عمدتاً حاصل کار تاریخ‌نگاران غربی است، کمتر مورد نقد واقع شده و نقاط ضعف و قوت آنها مشخص نیست. لذا در این پژوهش به نقد و بررسی آثار تاریخ‌نگاری آندره گدار به عنوان یکی از تاریخ‌نگاران تأثیرگذار در حوزه تاریخ معماری ایران پرداخته می‌شود. ضرورت این نقد از آن جهت است که این آثار در حالی به عنوان منبعی معتبر برای مطالعه معماری ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند که مورد بازخوانی و نقد واقع نشده‌اند. بنابراین مشخص نیست که تاریخ‌نگار مبتنی بر نگرش خاص خود و روش تاریخ‌نگاری‌اش به چه وجوهی از معماری ایران با چه کیفیتی پرداخته، از کدام وجوه غافل مانده و بررسی آنها از سویی نقایص موجود را روشن می‌کند، نیز از سویی دیگر می‌تواند راهنمایی باشد برای نگاشت تاریخ معماری ایران توسط تاریخ‌نگاران ایرانی. هدف از این پژوهش نقد و بررسی تاریخ‌نگاری آندره گدار به عنوان یکی از تاریخ‌نگاران تأثیرگذار در حوزه تاریخ‌نگاری معماری ایران با توجه به زمینه‌ها و بستر تاریخ‌نگاری او و نحوه انعکاس این زمینه‌ها در آثار تاریخ‌نگاری اوست. در این پژوهش استخراج داده‌ها از آثار مکتوب تاریخ‌نگاری گدار، بخش بزرگی از فرآیند پژوهش است و بنابراین نظریه زمینه‌ای که نظریه‌ای برگرفته از داده‌های گردآوری و تحلیل شده در طی فرآیند پژوهش به صورت نظام‌مند است به عنوان روش این پژوهش انتخاب شد. نتایج حاصل بیانگر آن بود که آندره گدار تحت تأثیر زمینه‌های زمانه خود با نگرشی خاص به تاریخ‌نگاری معماری ایران پرداخته که در نوع شناخت او از معماری ایران تأثیرگذار بوده و به طور کلی می‌توان او را تاریخ‌نگاری جزئی‌نگر، محصول محور و بی توجه به زمینه‌های تأثیرگذار در معماری، کالبد محور و بی توجه به وجوه معمارانه معرفی کرد.

واژگان کلیدی : تاریخ‌نگاری معماری، نقد تاریخ‌نگاری معماری، زمینه‌های تاریخ‌نگاری، آندره گدار.

مقدمه

تاریخ‌نگاری معماری، یکی از حوزه‌های مهم در معماری

تلقی می‌شود و کشورهای غربی سابقه‌ای طولانی در پرداختن روشمند به تاریخ معماری غرب دارند. با این وجود، پژوهشگران ایرانی کمتر به نگاشت تاریخ معماری ایران همت گماشته‌اند و این موضوع در مقایسه کمیت و کیفیت کتب تاریخ معماری ایران با نمونه‌های غربی بیشتر مشخص می‌شود. بخش بزرگی از تألیفات تاریخ‌نگاری معماری ایران

* نویسنده مسئول : Soodabeh.adib@gmail.com, ۰۹۱۰۳۹۸۷۲۰۶

این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد سودابه ادیب‌زاده تحت عنوان «معماری ایران (در دوره اسلامی) از دیدگاه تاریخ‌نگاران معماری غربی با تمرکز بر آثار تاریخ‌نگاران غربی تأثیرگذار دوره پهلوی» است که به راهنمایی دکتر محسن عباسی هرفته و دکتر احمد امین‌پور در دانشگاه هنر اصفهان ارائه شده است.

مناسبی قرار نگرفته است و پژوهشگران اندکی به این امر همت گماشته‌اند. از معدود پژوهش‌های صورت گرفته در نقد و بررسی آثار تاریخ‌نگاران توسط مهرداد قیومی بید هندی صورت پذیرفته است. او در مطالعات خود بر شناخت مفروضات و روش تاریخ‌نگار تکیه می‌کند به این ترتیب بر تأثیر نوع نگاه و مفروضات تاریخ‌نگار بر شیوه کار و شناختی که از معماری به دست می‌دهد تأکید می‌کند. (قیومی بید هندی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۹).

در این بین پژوهشگران دیگری نیز بر اهمیت تأثیرگذاری نگرش تاریخ‌نگار بر نحوه تاریخ‌نگاری او تأکید داشته‌اند و سعی در گونه‌شناسی کلی برخی نگرش‌های موجود کرده‌اند. از جمله این دسته بندی‌ها مانند دو گرایش شرق‌شناسی و تاریخی‌گری (ایمانی، ۱۳۸۴) یا دسته‌بندی نگرش‌ها به چهار دسته نگرش‌های تاریخی، معمارانه، هنر شناسانه، باستان‌شناسانه و تشبیهی (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴) و یا نگرش تاریخی‌گری و گونه‌شناسانه (پورجعفر، اکبریان، انصاری و پورمند، ۱۳۸۶) است. این پژوهشگران، در مسیر نقد آثار یک تاریخ‌نگار خاص با توجه به این نگرش‌ها وارد نشده‌اند و این دسته بندی‌ها، معیارهایی بسیار کلی و عام برای نقد آثار تاریخ‌نگاری به دست می‌دهند، اما نقد و بررسی دقیق آثار یک تاریخ‌نگار نیازمند چیزی بیش از معیارهای عام است و برای یافتن معیارهای مناسب، بررسی زمینه‌های تاریخ‌نگاری او ضروری است. در مورد تاریخ‌نگاری آندره گدار نیز به طور خاص پژوهشی قابل شناسایی نیست. تنها در یک پژوهش که توسط نسرین گلیجانی مقدم به صورت کلی در باب تاریخ‌شناسی معماری ایران صورت پذیرفته است؛ نقدی کوتاه به شیوه تاریخ‌نگاری آندره گدار شده است و پژوهشگر به تشریح زمینه‌های تاریخ‌نگاری او و تأثیرش بر نتیجه کار او نپرداخته است. (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴) لذا می‌توان گفت که تا کنون پژوهشی خاص در باب نقد آثار تاریخ‌نگاری گدار صورت نپذیرفته است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کیفی و به شیوه نظریه زمینه‌ای یا گرند تئوری (شیوه استراوس و کوربین) است. «این نظریه بر مبنای اصول استقرا، مفاهیم نهفته در پدیده‌ها را کشف و الگوهای از مفاهیم و ارتباطات بین آنها را ارائه می‌کند. هدف اصلی آن تولید نظریه و نه تصدیق آن است. در این رویکرد، تحقیق با یک تئوری و اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع و به تدریج، موارد مرتبط پدیدار می‌شوند» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰). بنابراین از آنجایی که هدف پژوهش نقد و بررسی آثار مکتوب آندره گدار است، استخراج داده‌ها بخش بزرگی از فرآیند پژوهش است و همین طور به دلیل بکر بودن موضوع، نظریه زمینه‌ای که نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرآیند پژوهش به صورت

متعلق به تاریخ‌نگاران معماری غربی است که با حضور در مرزهای جغرافیایی و فرهنگی ایران، کوشش بسیار کرده‌اند و آثار آنها در کمبود محسوس تألیفات محققان معاصر داخلی، و نبود متون کهن تخصصی معماری، از منابع عمده شناخت معماری گذشته ایران به شمار می‌آید. هر چند این تألیفات، از دریچه نگاه غربی و برگرفته از روش‌های علمی غرب، صورت پذیرفته است و این تاریخ‌نگاران غالباً با فرهنگ و جهان بینی ایرانی آشنا نبوده‌اند و آثار آنها از حیث شناخت روح معماری و هنر ایران، می‌تواند دچار نقصان باشد؛ اما نمی‌توان ارزش والای این آثار را در شناخت روشمندی، علمی و گسترده معماری ایران نادیده انگاشت. آندره گدار نیز یکی از همین تاریخ‌نگاران است که نقد آثار مکتوب او در این پژوهش مد نظر قرار دارد.

بیان مسئله

همان گونه که ذکر شد اکثر کتب تاریخ‌نگاری معماری ایران توسط تاریخ‌نگاران غربی نگاشته شده است و آثار آنها به عنوان منابعی برای مطالعه معماری ایران در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما نقد آثار آنها مورد توجه نبوده است و کمبودها و اشتباهات موجود آنها مشخص نیست. بنابراین ضرورت این پژوهش از آن جهت است که نقد آثار تاریخ‌نگاری می‌تواند هم به عنوان بستری برای نگاشت تاریخ معماری ایران به دست پژوهشگران ایرانی به کار گرفته شود و هم به عنوان نیروی محرکه‌ای برای فضای تاریخ‌نگاری و مبانی نظری معماری ایران؛ تا نقاط ضعف و قوت تاریخ‌نگاری معماری ایران مشخص شود و راه آینده تاریخ‌نگاری معماری ایران روشن تر شود. از سویی دیگر هر تاریخ‌نگار، با نگرش و زاویه نگاه خاص خود به تاریخ‌نگاری می‌پردازد و این زاویه نگاه که تحت تأثیر زمینه‌های تاریخ‌نگاریش شکل می‌پذیرد بر دستاورد کارش و در نتیجه شناخت زوایای پنهان کارش تأثیرگذار است. بنابراین هدف از این پژوهش نقد و بررسی تاریخ‌نگاری آندره گدار به عنوان یکی از نخستین تاریخ‌نگارانی که به نگاشت مدون تاریخ معماری ایران همت گماشته، با توجه به زمینه‌های تاریخ‌نگاری اوست. و در این راستا به دنبال پاسخ گویی به این پرسش‌هاست. آندره گدار در چه بستری به مطالعه معماری ایران پرداخته است و زمینه‌های تاریخ‌نگاری او چیست؟ تأثیر زمینه‌ها در شکل‌گیری نگرش تاریخ‌نگار و در پی آن شکل‌گیری آثار تاریخ‌نگاری او چگونه بوده است؟ نقاط ضعف اساسی کارش چه بوده است؟

مبانی نظری پژوهش

همان گونه که تاریخ‌نگاری معماری در ایران همچون دیگر مباحث نظری حوزه معماری در جایگاه مناسب خود قرار نگرفته است، بررسی و نقد آثار تاریخ‌نگاری معماری ایران نیز مورد توجه

آغاز به کار گذار است. او از نخستین تاریخ‌نگاران غربی است که به نگاشت تاریخ معماری ایران همت گماشته است. به دلیل ناشناخته بودن اکثر بناهای تاریخی معماری ایران و کمبود اطلاعات و در معرض نابودی و فراموشی بودن اکثر آنها، بار بزرگ شناخت گسترده بناهای فراوان در ایران بر دوش او و دیگر تاریخ‌نگاران هم زمان او بود. بنابراین شناخت اولیه از کالبد بناهای تاریخی و یا به عبارتی دیگر مستندسازی آثار تاریخی را می‌توان نیاز تاریخ‌نگاری معماری ایران در آن زمان دانست. از سویی دیگر داده‌های محدود موجود در مورد بناهای تاریخی در آن زمان نیز حاصل کار شرق‌شناسان و باستان‌شناسان بود و به دلیل ویژگی‌های خاص کار آنها و اثر گذاری آن بر شکل‌گیری تاریخ‌نگاری معماری ایران، اندیشه‌ها و نگرش‌های آنان از دیگر زمینه‌های موجود در تاریخ‌نگاری گذار محسوب می‌شود (تصویر ۳).

حضور اندیشه‌های حاصل از شرق‌شناسی

نخستین بار غربی‌ها در قالب مطالعات شرق‌شناسی، به مطالعه معماری ایران پرداختند. مطالعات شرق‌شناسی با اندیشه‌های خاص خود همراه بود و هر چند با گذر زمان غربی‌ها به صورتی روشمند و متفاوت از قبل به مطالعه معماری ایران پرداختند اما همچنان ردپایی از نگاه پیشینشان در این مطالعات دیده می‌شود. گویا نگاه شرق‌شناسانه «در طول چند قرن، در ساختارها و سنت‌های آنها نهادینه شده است و نظام‌های دانشگاهی و پژوهشی براساس آن ایجاد شده» (کلیجانی مقدم، ۱۳۸۴). از برتری طلبی، نگاه بیرونی و بی توجهی به زمینه‌ها، می‌توان به عنوان عمده‌ترین دیدگاه‌های انتقادبرانگیز شرق‌شناسان نام برد. «شرق‌شناسی حاوی این پیش‌داوری ضمنی است که تاریخ

نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند؛ روش مناسبی است. «مورخان قبل از پژوهش تاریخی، تابع دیدگاهی معین در تعریف معماری و اثر معماری‌اند؛ به طوری که آن دیدگاه، چون دانش پیشینی، نگرش ایشان را به تاریخ و آثار تاریخی تعیین می‌کند... این طرز تلقی می‌تواند مورخ را از بسیاری از رخدادهای تاریخی غافل کند» (خوئی، ۱۳۸۵). «تاریخ معماری، مانند همه شاخه‌های تاریخ، مبحثی منجمد و لایتغیر نیست. غالب اوقات، تفاسیر تاریخی از اساس دچار تغییر می‌شود. با پیدا شدن شواهد تازه و با مداخله نگاه امروز، وقایع تاریخی در پرتو نور تازه‌ای قرار می‌گیرد. تاریخ‌نگاری مطالعه سیر تحول تفاسیر تاریخی در هر دوره تاریخی معین است. با تغییر ذائقه‌ها در طی هر دوره، تفاسیر موجود از وقایع مهم معماری کاملاً دگرگون می‌شود» (کانوی و رونیش، ۱۳۸۴). بنابراین زمینه‌ها منجر به شکل‌گیری نگرش تاریخ‌نگار و برگزیدن روش تاریخ‌نگاری او می‌شوند. و براساس تفاوت نگرش‌ها و روش‌ها دستاوردهای متفاوتی در مطالعه تاریخ معماری حاصل می‌آید (تصویر ۱). پس برای نقد و بررسی آثار تاریخ‌نگاری، درک درست زمینه‌ها منجر به نقدی همه‌جانبه و تحلیل‌هایی دقیق‌تر و منصفانه‌تر می‌شود.

یافته‌های پژوهش

• زمینه‌های تاریخ‌نگاری آندره گذار

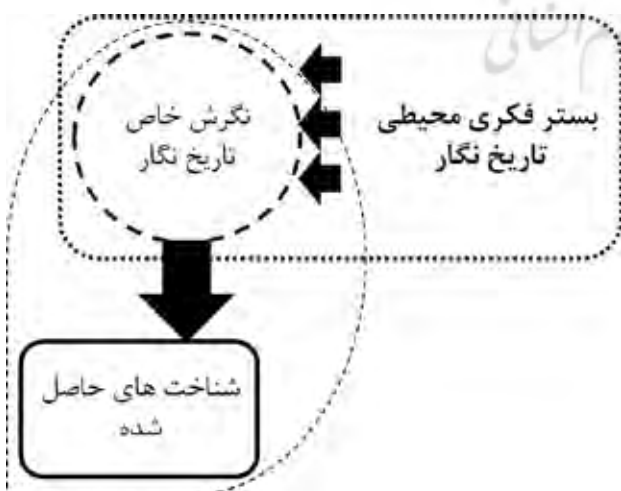
تاریخ‌نگاری گذار نیز در بستر زمانی و مکانی خاص خود صورت گرفت و بنابراین در بررسی و نقد آثار او، مطالعه و شناخت این بستر ضروری است. مطالعات صورت پذیرفته در این پژوهش، چهار زمینه اساسی تأثیرگذار و پررنگ در کار او را مورد شناسایی قرار داد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

• شرایط سیاسی و فرهنگی اجتماعی ایران

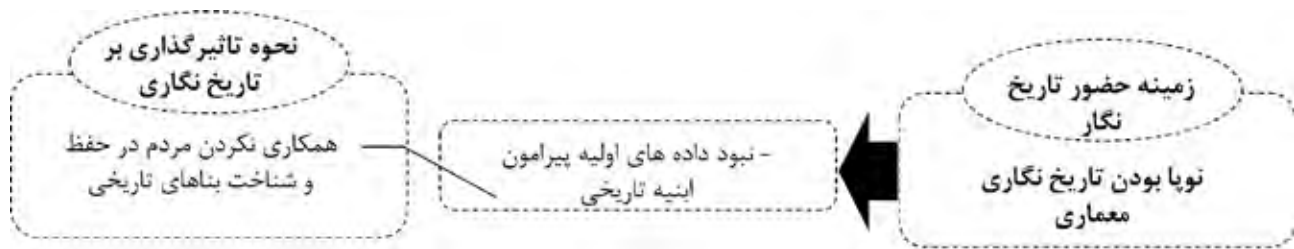
آندره گذار «در سال ۱۹۲۸ بنا به دعوت دولت ایران برای تأسیس یک سرویس باستان‌شناسی و اقدام به بررسی و ارزیابی صحیح و تنظیم فهرستی از ابنیه تاریخی ایران و در ضمن ترمیم و تجدید ساختمان آنها به ایران آمد» (گذار، ۱۳۵۸). چنان که خود گذار شرایط کار خود در ایران را توصیف کرده است (تصویر ۲)؛ در آن زمان مردم نسبت به ارزش آثار تاریخی و اهمیت شناخت و حفظ میراث فرهنگی ناآگاه بودند، اما به دلیل همزمانی با ظهور اندیشه‌های ملی‌گرایانه در ایران و در پی آن نیاز حاکمیت وقت به شناخت تمدن گذشته و بازتعریف هویت فراموش شده، او تحت حمایت حکومت وقت قرار داشت. بنابراین در مسیر کار خود از امکاناتی برخوردار شد که تاریخ‌نگاران پیشین از آنها بی بهره بودند (همان).

نویا بودن تاریخ‌نگاری معماری در ایران

زمینه دیگر نویا بودن تاریخ‌نگاری معماری در ایران در زمان



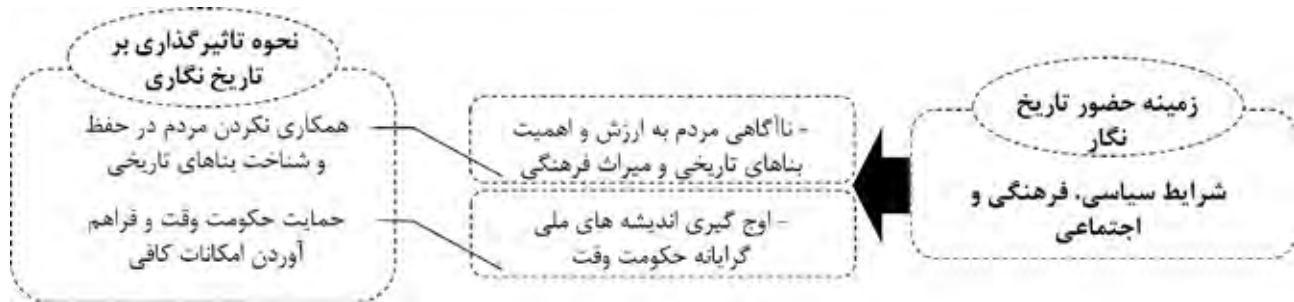
تصویر ۱. تأثیر زمینه‌ها بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. نحوه تأثیر گذاری زمینه بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

آن منظومه را بهتر از وابستگی‌هایش ببیند و داوریش منصفانه و روشنگر تر باشد» (زرشناس، ۱۳۹۱). اما در اصل این موضوع می‌تواند آسیبی جدی در حوزه تاریخ‌نگاری به همراه داشته باشد. به بیان دیگر «وقتی که تاریخ از منظر بیگانه با گوهر آن نوشته شود، می‌توان انتظار داشت که بخش‌هایی از آن نادیده و مغفول بماند» (قیومی بیدهدنی، ۱۳۸۶). بنابراین در مطالعه پدیده‌های وابسته به فرهنگ مردمی بیگانه این خطر وجود دارد که پژوهشگر دچار اشتباهی گاه نادانسته شود و عواملی را در نظر بگیرد که در دایره اندیشه و فرهنگ آنها تعریف شده نیست. این اشتباه ناشی از بیگانگی با جهان بینی آن مردمان است. در آثار آندره گدار نیز تحلیل‌هایی از آثار معماری ایران براساس اندیشه‌های مدرنیستی رایج در حوزه معماری غرب، دیده می‌شود. از جمله آن، ستایش صداقت در معماری به معنای نشان دادن ساختار بنا در ظاهر آن و مضموم بودن تزئینات به شکلی پر رنگ است. به عنوان مثال آندره گدار در مورد معماری ایران در عصر صفوی می‌گوید: «در اینجا ما از خلوص و بی‌ریایی راه‌حل‌های معماری عصر سلجوقی فاصله بسیار گرفته‌ایم. معماری عصر صفوی دارای ظاهری بسیار زیبا است ولی در زیر این ظاهر زیبا استخوان بندی بنا به طور کامل از نظر پنهان شده است (گدار و همکاران، ۱۳۶۷). گدار حتی علت رونق معماری مدرن در ایران را زیاده روی معماران عصر صفوی به بعد، در پنهان کردن استخوان بندی بنا می‌داند (همان). از نظر او هر چیز در معماری ایران که برایش فایده‌ای نمی‌یابد، تزئینی است. در مثالی دیگر او فایده وجود ایوان‌های متعدد در بنای رباط شرف را به پرسش می‌گذارد و پاسخ می‌دهد: «هیچ، جز آنکه عنوان تزئینی داشته‌اند (گدار و همکاران، ۱۳۶۶). با این وصف اگر چه انتظار می‌رود کارایی در معماری باید اصلی مهم در تحلیل‌هایش باشد اما دیده می‌شود که همواره به این اصل پایبند نمانده و به اقتضای دیدگاه برتری طلبانه‌اش آن را نادیده گرفته است. به عنوان مثال او به کارایی مصالح ساختمانی در اقلیم و جغرافیای ایران بی توجه بوده و تناسب کاربرد و رجحان آجر در معماری ایران با اقلیم سرزمین ایران را در نظر نگرفته و نگاه خود به مصالح معماری ایران را تنها به ویژگی‌های بصری آن محدود کرده است.

انسان عبارت است از سیر تکاملی مرحله به مرحله‌ای که پیشرفت علم و تکنیک (به معنای غربی آن) معیار سنجش مراحل آن است و به هر جامعه‌ای بر حسب این مراحل تکامل باید جایی داد و از آنجا که اروپا نقطه آخرین این خط تکامل است، دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌های بشری ناگزیر، بر حسب این مراحل تکامل، در مراحل پیش از اروپا قرار می‌گیرند (آشوری، ۱۳۵۱). آندره گدار نیز محقق غربی است که حس برتری طلبی او نسبت به سرزمینی که برای مطالعه به آن پا گذاشته است؛ پیش زمینه قوی در کار او محسوب می‌شود. نگاه ستایش آمیز گدار به معماری فرانسه تأثیر خود را بر تاریخ‌نگاری او گذاشته است. به عنوان مثال او به طور قطع معماری غرب را برتر و غیر قابل مقایسه با معماری شرق می‌داند و از نگاه او «هیچیک از ساختمان‌های اسلامی قابل مقایسه با پانتئون رم یا کلیسای آمین نیستند» (گدار، ۱۳۵۸: ۳۴۵) و «معماری سنگی» اروپا برتر از «معماری آجری» ایران است، چرا که در ایران مصالح مناسبی در دسترس معماران نبوده است و آنچه که بوده از نگاه او در مقابل سنگ‌های کشور فرانسه مختصری بیش نیست (گدار و همکاران، ۱۳۶۷). از نظر او معماری ایران هر چند که خود از معماری غرب تأثیر پذیرفته اما هیچ امکانی برای تأثیر گذاری آن بر معماری غرب وجود ندارد. به عنوان مثال او احتمال تأثیر پذیری طاق‌های ایرانی از طاق‌های غربی را مطرح می‌کند (همان) این در صورتی است که دیالافوا را در مطرح کردن نظریه تأثیر پذیری سازه‌های گوتیک از سازه‌های ایرانی به شدت نقد می‌کند و به او برچسب رمانتیک بودن می‌زند (همان). واضح است که در مورد این تأثیر پذیری‌ها و تأثیر گذاری‌ها به همین سادگی نمی‌توان اظهار نظر کرد اما از مجموع این بحث‌ها می‌توان تعصب گدار در برتری معماری غربی را به خوبی مشاهده کرد. دیدگاه دیگری که از دید منتقدان در شناخت شرق‌شناسان از پدیده‌ها در شرق موثر افتاده است دیدگاه غیر ایرانی یا نگاه بیرونی آنان است. «در بادی امر گمان می‌رود که این خصوصیت در کار تحقیق علمی مزیتی باشد، زیرا وقتی محقق منظومه‌ای فرهنگی را از دیدگاهی بیرون آن مطالعه می‌کند، قاعدتاً توقع می‌رود که چون از غرض و تعصب پیراسته است، عیب و حسن



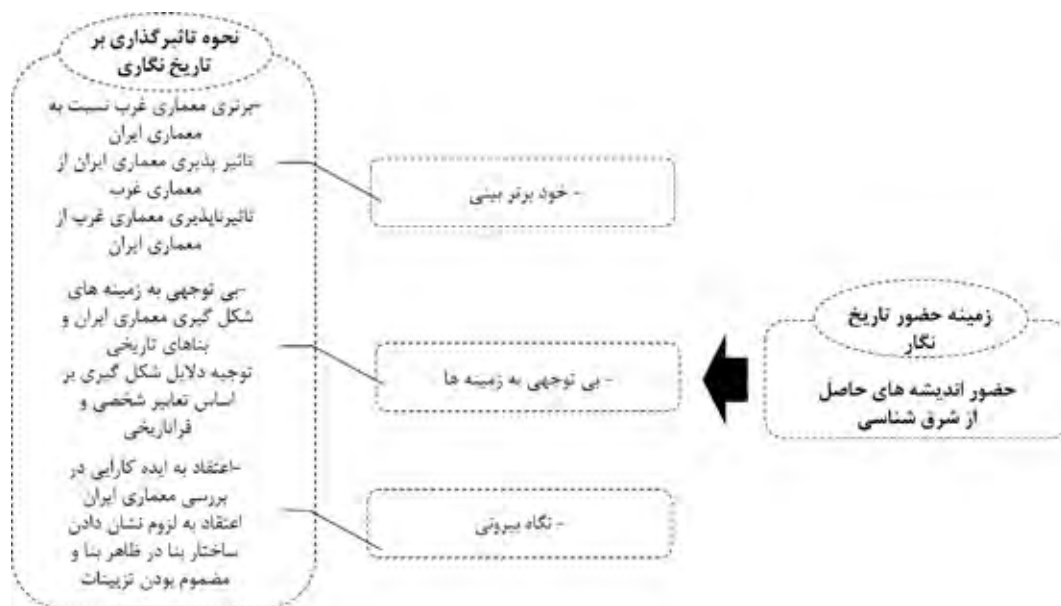
تصویر ۳: نحوه تأثیرگذاری زمینه بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

نامید که در آثار تاریخ‌نگاران معماری ایران فراوان قابل رؤیت است و بنابراین می‌توان از آن با عنوان آسیب تاریخ‌نگاری معماری ایران یاد کرد. از همین روست که «مطالعه تاریخ هنر و معماری ایران، چه به دست محققان ایرانی و چه غیر آنان، دچار مشکلات و بیماری‌هایی است. از جمله این مشکلات آشفتگی در شیوه انتساب این هنرها به دین اسلام در تفسیرهای غیرتاریخی یا تاریخی است. گروهی از محققان از این حقیقت سخن می‌گویند که آثار هنر اسلامی مظهر حقایقی متکی بر وحی و مکاشفات عارفان است که ماهیتا در قالب زمان و مکان نمی‌گنجد و غیرتاریخی یا فراتاریخی است» (آن، ۱۳۸۵). تعبیری هم که در آثار آندره گدار نیز دیده می‌شود، از این دست محسوب می‌شود. در صورتی که «اهل این دیدگاه نوعاً از این واقعیت غفلت می‌کنند که حتی برای نشان دادن نسبت اثر هنری با حقایق ازلی، ناگزیر پای تاریخ و اوضاع مکانی و زمانی پیش می‌آید» (همان): (تصویر ۴).

حضور رویکردهای حاصل از باستان‌شناسی

همان‌گونه که ذکر شد مستند سازی ابنیه تاریخ ایران نیازی اساسی در آن برحه از تاریخ‌نگاری معماری ایران تلقی می‌شود. اهتمام آندره گدار نیز بر مستند سازی ابنیه تاریخی ایران است. لازمه مستند سازی، توجه به کالبد است. گدار نیز تاریخ‌نگاری است که با وسواسی خاص به معرفی جزئیات و تزئینات و گاهی روش‌های ساختمانی بناهای تاریخی می‌پردازد. اگر چه وضعیت تاریخ‌نگاری معماری ایران در آن دوره، کالبد محوری را تا اندازه‌ای توجیه می‌کند اما از سویی دیگر توجه به برخی وجوه کالبد و بی توجهی به برخی دیگر را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ فضا اگر نگوییم اصلی ترین، به عنوان یکی از وجوه اصلی معماری و راهکارهای اقلیمی مورد استفاده در بنا به عنوان شیوه ارتباط معماری و بستر طبیعی آن و تأثیر شیوه زندگی در بنا بر کالبد به عنوان شیوه ارتباط انسان و بنا، در شناخت کالبد توسط آندره گدار نادیده گرفته شده است. «نگارش تاریخ معماری و هنر از دیدگاه موزه‌ای خاص باستان‌شناسی که آثار تاریخی را در وجه یادمانی آنها دیده و

انتقادی دیگری که به ایران‌شناسی وارد است، نپرداختن به زمینه‌های شکل‌گیری پدیده و نگاه محصول‌گرایانه و جزئی‌نگرانه است. ایران‌شناسی غربی «بیش از اندازه به جزئیات و دقایق زبان شناسی و باستان‌شناسی و تاریخ کشمکش‌های نظامی و مذهبی و دقت و وسواس در تصحیح و مقابله نسخ می‌پردازد و از مسایل اساسی مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران غافل مانده و به قول خود اروپاییان، ایران‌شناس غربی درخت را دیده ولی جنگل را ندیده است» (زرشناس، ۱۳۹۱). اگر چه آندره گدار معماری را «روح اجتماع یک ملت» می‌داند (گدار، ۱۳۵۸) اما او به زمینه‌ها و در پی آن فرآیند شکل‌گیری معماری ایران توجه نشان نداده است و نگاهش بیشتر متوجه ابنیه تاریخی ایران به عنوان محصول بوده است. توجه او به محصول فارغ از سیر تحولات معماری ایران در طول تاریخ است. او بیش از هر کسی به بناهای تاریخی به شکلی جدا از مکان و زمان و زمینه پرداخته است. ساختار کتاب آثار ایران او که بخش‌هایی از آن به بناهای تاریخی اختصاص دارد، براساس بناهای تاریخی یک ناحیه جغرافیایی است. البته در کار او گریزهایی محدود به تأثیر زمینه‌های فرهنگی و مذهبی در شکل‌گیری معماری ایران دیده می‌شود. به عنوان مثال می‌گوید: «پرهیز از سنگینی ویژگی معماری هنر و ادبیات ایران است و «آنچه را که معمار ایرانی در جست و جوی آن است زیبایی فکر و بیان و بیش از آن احساس راحتی و سبکی است.» (گدار و همکاران، ۱۳۶۷) در جایی دیگر آندره گدار با توجه به اندیشه‌های تصوف و اشعار ایرانی، که بر ناپایداری دنیا تأکید دارند، نتیجه‌گیری می‌کند که ایرانیان با تکیه بر این باور، بناهای خود را ناپایدار ساخته‌اند (گدار و همکاران، ۱۳۶۶). البته که از نظر او «کمال مطلوب یک استاد کار حقیقی که «ساختن از روی علم و بصیرت و برای همیشه» است» (گدار، ۱۳۵۸) و به همین خاطر است که او چنین استنباط می‌کند که معمار ایرانی «هیچ‌گاه بدوام ابنیه خود دلبستگی نداشته بر عکس به پیروی از «کل من علیها فان» منکر آن بود. هیچ‌گاه نتوانسته یک استاد کار حقیقی باشد» (گدار، ۱۳۵۸ : ۳۴۵). چنین تعبیری را می‌توان تعبیر شخصی



تصویر ۴. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها بر تاریخ‌نگاری. مأخذ: نگارندگان.

معدود پژوهش‌های مرتبط، مهرداد قیومی بر اهمیت بررسی روش و نگرش تاریخ‌نگار در نقد آثار تاریخ‌نگاری معماری تحت عنوان «مفروضات و روش» تاریخ‌نگاری، تأکید کرده است و اگر چه برخی پژوهشگران بر اهمیت شناخت رویکرد و نگرش تاریخ‌نگار، در بررسی آثار تاریخ‌نگاری تأکید داشته‌اند، اما حاصل کار آنها معیارهایی کلی برای نقد آثار تاریخ‌نگاران است و خود آنها در مسیر نقد آثار تاریخ‌نگاری یک تاریخ‌نگار وارد نشده‌اند ضمن آنکه برای درک بیشتر عوامل شکل‌دهی نگرش تاریخ‌نگار و تأثیرگذاری آن بر تاریخ‌نگاری او، بررسی زمینه‌های تاریخ‌نگاری و دستیابی به معیارهای خاص، ضروری است. زمینه‌های تاریخ‌نگاری به عنوان منشأ نگرش‌های تاریخ‌نگار ما را در شناخت بهتر آنها و شناسایی معیارهای خاص نقد او یاری می‌کنند. نگرش‌ها همچون عینکی درک تاریخ‌نگار از حقایق را تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند منجر به

نگاه به اجزا و عناصر و نه فضا و فرآیند تولید آن به عنوان یک فرآورده فرهنگی، ویژگی اصلی نگرش باستان‌شناسانه به تاریخ معماری است. صاحب‌نظران معماری همواره به محدودیت باستان‌شناسی در معرفی اساس و جوهر تاریخ معماری تأکید کرده‌اند» (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۴). در واقع کالبد معماری همچون کالبد هر شیء تاریخی دیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. هر چند که او چنان که بیان شد همواره به انتقاد از حضور جدی تزئینات در معماری ایران پرداخته است، اما هنگام مواجهه با یک عنصر معماری تزئین یافته چون یک محراب گچی پر کار، ذوق زده می‌شود و توصیفات معمارانه را فدای توصیفات جزء نگرانه می‌کنند (تصویر ۵).

بحث

همان گونه که ذکر آن رفت پژوهش‌های صورت پذیرفته در ارتباط با موضوع این پژوهش بسیار اندک است و در میان

جدول ۱. نحوه تأثیر گذاری زمینه‌ها بر تاریخ‌نگاری آندره گذار. مأخذ: نگارندگان.

تأثیر زمینه‌ها بر شکل‌گیری تاریخ‌نگاری آندره گذار	زمینه‌های تاریخ‌نگاری آندره گذار
فراهم آمدن شرایط مناسب برای مطالعه آثار تاریخی معماری ایران	ظهور اندیشه‌های ملی‌گرایانه و برخورداری از حمایت‌های حکومتی
مستند سازی بناهای تاریخی ایران بهره‌گیری از داده‌های اندک حاصل کار باستان‌شناسان و شرق‌شناسان	شرایط سیاسی و فرهنگی و اجتماعی ایران
برتری معماری غرب نسبت به معماری ایران تأثیرگذاری معماری غرب بر معماری ایران نبود امکان تأثیرگذاری معماری ایران بر معماری غرب ستایش نشان دادن ساختار بنا در ظاهر آن نکوهش وجود تزیینات	همکاری نکردن مردم به دلیل ناآگاهی مردم از ارزش و اهمیت بناهای تاریخی و لزوم شناخت و حفظ آنها
اعتقاد به لزوم کارایی در معماری در عین بی‌توجهی به کارایی در معماری به اقتضای دیدگاه برتری طلبانه	در دسترس نبودن اطلاعات پیرامون معماری ایران نبود شناخت اولیه از بناهای تاریخی
بی‌توجهی به زمینه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری معماری ایران تحلیل محدود برخی زمینه‌های تأثیرگذار بر معماری ایران براساس تعابیر شخصی و فراتاریخی	خود برتر بینی غربی بی‌توجهی به زمینه‌ها نگاه بیرونی
توجه ویژه به جزئیات به ویژه تزیینات در معماری ایران علی‌رغم نقد آن بی‌توجهی به فضا کالبد محوری	حضور اندیشه‌های حاصل از شرق‌شناسی
بی‌توجهی به تأثیر اقلیم بر معماری ایران و راهکارهای اقلیمی بی‌توجهی به تأثیر فرهنگ و شیوه زندگی به شکل‌گیری کالبد	حضور رویکردهای حاصل از باستان‌شناسی
	دیدگاه موزه‌ای به معماری جزئی‌نگری و بی‌توجهی به زمینه‌ها
	بی‌توجهی به وجوه معمارانه

به عنوان منشا این آسیب‌ها و نگرش‌ها، پژوهشگر را به سمت شناسایی آنها رهنمون ساخت. زمینه‌ای چون حضور اندیشه‌های شرق‌شناسی منجر به شناسایی نگرش‌های آسیب‌زایی چون تاریخ‌نگاری با نگاه برتری طلبانه غربی، تاریخ‌نگاری با نگاه بیرونی و تاریخ‌نگاری بدون توجه به زمینه‌ها شد. آندره گذار در تاریخ‌نگاری خود احتیاط کرده تا مبادا سخنی بگوید که معماری ایران قابل مقایسه با معماری غرب در نظر گرفته شود یا در خواننده این احساس شکل بگیرد که در معماری ایران بنایی همپای آثار شاخص معماری غرب وجود دارد. او معماری ایران را از زاویه نگاه یک محقق زیسته در دوران مدرنیسم در غرب مورد مطالعه قرار داده است. به عبارتی تلاش کرده تا نگاهش را به نگاه انسان ایرانی تاریخی نزدیک کند بلکه از دریچه نگاه خود به معماری ایران نگریسته است. او همچنین به زمینه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری معماری ایران بی‌توجه بوده و بنابراین تاریخ‌نگاری محصول گراست که نگاهش متوجه کالبد است و نه فرآیند شکل‌گیری معماری. به

شکل‌گیری آسیب‌هایی در کار تاریخ‌نگاری او شوند. اما تاکنون پژوهشی با توجه به زمینه‌های تاریخ‌نگاری، پیرامون آثار آندره گذار صورت نپذیرفته است. در این پژوهش بررسی زمینه‌های تاریخ‌نگاری آندره گذار برخی جنبه‌های پیدای و پنهان کار او را روشن‌تر کرد. شناخت دقیق نحوه تأثیرگذاری زمینه‌ها در کار گذار با توجه به امکانی که روش گردند تئوری با کمک اصول استقرا و کدگذاری و کشف مفاهیم و مقولات پرننگ کار او، فراهم آورد؛ صورت پذیرفت. بنابراین این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها با نگاهی بنیادی تر سعی کرده تا علاوه بر شناخت و معرفی نگرش‌های تاریخ‌نگار زمینه‌های شکل‌گیری این نگرش‌ها را شناسایی کند.

نتیجه‌گیری

با اشراف بر زمینه‌های تاریخ‌نگاری گذار تأثیر این زمینه‌ها بر کار او از جمله نگرش‌ها و آسیب‌های اساسی در کار تاریخ‌نگاری او مورد شناسایی قرار گرفت (جدول ۱). به عبارتی زمینه‌ها

- غیر تاریخی به هنر اسلامی. ت: امینه انجم شعاع. *گلستان هنر*، ۳ (۴): ۵۱-۶۶.
- پورجعفر محمدرضا، اکبریان رضا، انصاری مجتبی و پورمند، حسنعلی. ۱۳۸۶. رویکرد اندیشه‌ای در تداوم معماری ایران. *مجله صفا*، ۱۶ (۴۵): ۹۰-۱۰۵.
 - خوئی، حمیدرضا. ۱۳۸۵. چيستی تاریخ معماری و جایگاه آن در فهم و ایجاد آثار معماری. *گلستان هنر*، ۴ (۶): ۲۰-۲۷.
 - زرشناس، زهره. ۱۳۹۱. *درآمدی بر ایران‌شناسی*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - قیومی بیدهندي، مهرداد. ۱۳۸۴. بررسی انتقادی چهار تاریخ‌نامه معماری ایران. *خیال*، ۴ (۱۵): ۳۶-۴۰.
 - قیومی بیدهندي، مهرداد. ۱۳۸۶. مزاج دهر (نظریه «حیات زمانه» در دوره بندی تاریخ معماری ایران). *گلستان هنر*، ۳ (۱): ۵-۱۲.
 - قیومی بیدهندي، مهرداد. ۱۳۸۹. *گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر*. چاپ اول. تهران: علمی و فرهنگی.
 - قیومی بیدهندي، مهرداد. ۱۳۹۱. بام و بوم مردم بازخوانی و نقد اصول پیشنهادی پیرنیا برای معماری ایرانی. *مجله مطالعات معماری ایران*، ۱ (۱): ۲۳-۷.
 - کانوی، هیزل و رونیش، راوئن. ۱۳۸۴. تاریخ معماری چیست. ت: حمیدرضا خوئی. *گلستان هنر*، ۳ (۲): ۳۶-۲۴.
 - گدار، آندره. ۱۳۱۶. آثار ایران، جلد اول. ت: بی‌نا. تهران: چاپخانه مجلس.
 - گدار، آندره. ۱۳۵۸. *هنر ایران*. ت: بهروز حبیبی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
 - گدار، آندره و همکاران. ۱۳۶۶. *آثار ایران*. جلد دو. ت: ابولقاسم سرو قد مقدم. چاپ اول. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
 - گدار، آندره و همکاران. ۱۳۶۷. *آثار ایران*. جلد سه. ت: ابولقاسم سرو قد مقدم. چاپ اول. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
 - گلیجانی مقدم، نسرين. ۱۳۸۴. *تاریخ‌شناسی معماری ایران*. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 - گدار، آندره و دیگران. ۱۳۸۷. *سیری در هنر ایران*. ج سوم. ت: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. چاپ اول. تهران: علمی و فرهنگی.

جز این آسیب دیگری که در کار گذار دیده می‌شود تلاش‌های جسته و گریخته و محدود او در پرداختن به زمینه‌های دچار یک آسیب اساسی در تاریخ‌نگاری معماری غربی است و آن بهره‌گیری از تعابیر شخصی در تحلیل تأثیرگذاری فرهنگ و مذهب بر معماری ایران است.

نو پا بودن تاریخ‌نگاری معماری ایران زمینه دیگر کار او به شمار می‌آید. نبود اطلاعات کافی از معماری ایران، مستند نگاری بناها به منظور شناخت اولیه و جلوگیری از نابودی آنها را در اولویت تاریخ‌نگاری آندره گدار قرار داده و لازمه مستند سازی توجه به کالبد است. توجه گدار به کالبد مشابه رویکرد باستان‌شناسان به ابنیه تاریخی است که مرتبط با زمینه دیگر کار او یعنی حضور اندیشه‌های باستان‌شناسان است. این اندیشه‌ها از آنجایی که اکثر داده‌های موجود پیرامون ابنیه تاریخی ایران در آن زمان، حاصل کار باستان‌شناسان بود؛ صورتی پر رنگ‌تر می‌یابند، نتیجه آن آسیبی دیگر چون برخورد با معماری همچون یک شی و به دور از نگاه معمارانه است. شرایط سیاسی و اجتماعی زمینه اثر گذار دیگری است که تاریخ‌نگاری آندره گدار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تقارن حضور آندره گدار با اوج گیری اندیشه‌های ملی‌گرایانه در حکومت وقت به یاری کار او می‌آید، او با هدف بازتعریف هویت تاریخی ایران مورد حمایت قرار می‌گیرد و امکانات مناسبی در اختیارش قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. ۱۳۹۰. *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ت: ابراهیم افشار. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- ایمانی، نادیه. ۱۳۸۴. نقد تلقی مورخان از معماری اسلامی. *گلستان هنر*، ۱ (۱): ۸۰-۷۴.
- آشوری، داریوش. ۱۳۵۱. *ایران‌شناسی چیست؟ و چند مقاله دیگر*. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.
- آلن، تری. ۱۳۸۵. *تصویر بهشت در هنر اسلامی*، نقدی بر رویکرد

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ادیب‌زاده، سودابه، عباسی هرفته، محسن و امین‌پور، احمد. ۱۳۹۷. نقدی بر تاریخ‌نگاری آندره گدار با نگاهی به زمینه‌های تاریخ‌نگاری او. *باغ نظر*، ۱۵ (۶۱): ۲۴-۱۷.

DOI: 10.22034/bagh.2018.63860

URL: http://www.bagh-sj.com/article_63860.html

